

۱۸۰ درجه چرخش

از: دکتر عزیزاله سلیم پور
نیس - فرانسه

مقاله آقای شارل پرز در مجله پزشکان یهودی فرانسه تحت عنوان «هویت یهودی» آنقدر بنظرم جالب آمد که تصمیم گرفتم آنرا برای شما ترجمه کرده بفرستم. تکرار میکنم این مقاله ترجمه است و خود من هیچگونه معلومات و صلاحیت لازم برای پاسخگوئی به پرسش هائی در باره آنرا ندارم.

عزیزاله سلیم پور

پیش از «یهودیت از طریق مادر»، بمدت تقریباً ۲۰۰۰ سال «یهودیت از طرف پدر» به فرزندان میرسید. یعنی از زمان پدران: ابراهیم، اسحق و یعقوب (۱۷۰۰ ق.م.) تا خرابی بت المقدس در سال ۷۰ (میلادی) و جنگ رومیان با یهودیان و شکست اینان و خرابی معبد ایشان در اورشلیم.

در این زمان یهودیت از پدر به فرزندان میرسید، خواه مادر یهودی میبود خواه غیر یهودی. برعکس اگر مادر یهودی بود و پدر غیر یهودی فرزندش ممزر (بمعنای حرامزاده) شناخته میشد و از جامعه یهود خارج میشد. عزرا و نحیا در بازگشت از ایران به اورشلیم در سال ۴۵۸ ق.م. این تبعیض را بین زن و مرد ناشایسته دانستند ولی مردان قدرت طلب با آنان مخالفت ورزیدند و کماکان مذهب از پدر به فرزندان میرسید. نمونه های زیادی از تورات شاهد و گواه این ادعا هستند.

حضرت موسی با سیپورا ازدواج کرد. سیپورا یک نفر غیر یهودی و دختر رهبر مذهبی مادونیت از دیار کوش (حبشه) بود. حضرت ابراهیم دو زن گرفت اولی سارا ولی دومی هاگار مصری. اسحق پسر ابراهیم و سارا ریبکا را به زنی گرفت، همان ریبکا که در منزل خودش بت های خانه پدریش را نگه داری میکرد.

لئا و راحل زنهای یعقوب دختران لاوان بودند که خود یک بُت پرست آرامی بود. یوسف پسر یعقوب، اُسنت دختر دینا که در اثر تجاوز جنسی سی شیم غیر یهودی آستن شده بود را به نکاح خود درآورد. ابی ملخ و ناعومی دارای دو فرزند شدند که هر دو دخترانی از موآو را به زنی گرفته اولی اُرفا و دومی روت که پس از بیوه شدن با بوعاز از فامیل الی ملخ ازدواج دومی کرد که نتیجه آن فرزندى بنام اُبد، جدّ حضرت داود بود.

حضرت داود شش زن گرفت که یکی از آنان ماشا، یک اسیر غیر یهودی بود. زن دیگرش بت شوع مادر حضرت

سلیمان بود. حضرت سلیمان زنان غیر یهودی بسیاری گرفت از جمله یک آمونیت که به او فرزندى داد بنام رخاوام که چنان سختگیر و متعصب بود که باعث دوپارگی کشور یهود و تقسیم آن به پادشاهی یهودا و اسرائیل گردید!!

انجیل سان مانیتو که به زبان آرامی نوشته شده است مینویسد که متیو پسر یک زن یهودی و یک پدر یونانی غیر یهودی که سان پُل (شائول تارس) را در سفرهای تریون همراهی میکرد حق شرکت در موعظه های او را نداشت چرا که او بر حسب قوانین یهود چون پدرش یهودی نبود یهودی شناخته نمیشد. لذا مجبور شد خود را ختنه کند تا به او اجازه داده شود در میان سایر یهودیان به موعظه های شائول شرکت کند.

در دوران پادشاهی حشمونائی ها و هرودیان قوانین یهودیت فقط از طرف پدر مرسوم بود تا بجائی که اگر شاهزاده ای میخواست با یک غیر یهودی ازدواج کند آن مرد میباید به ختنه شدن تن در میداد؛ از این نمونه میتوان ازدواج خواهر «اگریپا» با «عزیز» پادشاه «امسین» و یا بونیس با پوله مون پادشاه گالیسی را نام برد.

قوانین وراثت یهودیت از طریق مادر که امروز رایج است ۱۸۰ درجه با قوانین قبل مغایرت دارد. بدین معنی که فرزندانى که مادرشان یهودی ولی پدرشان غیر یهودی هستند یهودی شناخته میشوند ولی آنانی که مادرشان غیر یهودی و پدرشان یهودی هستند غیر یهودی و ممزر (بمعنای حرام زاده) شناخته شده از جامعه بیرون رانده میشوند.

هنگامیکه در سال ۷۰ میلادی یهودیان از رومیان شکست خوردند و در سال ۱۳۲ فشارهای شدیدی بر آنها وارد شد و مردان آنها را گروه گروه یا کشتند یا به اسارت و بردگی بردند و یا خودشان فرار کردند، آنان دیگر نمیتوانستند به تربیت مذهبی فرزندان شان برسند و یا از زنان خود دفاع کنند. بسیاری از این زنان شکنجه شدند و به خیلی از آنها توسط سربازان رومی تجاوز شد. بر طبق قوانین رایج، فرزندانى که در اثر این تجاوزات دنیا میآمدند حرامزاده شناخته میشدند و دیگر در جامعه برای آنها جایی نبود. بطور خلاصه در آن زمان دیگر کودک «یهودی واقعی» وجود نداشت و بعکس بسیار فرزندانى بودند که «حرامزاده» معرفی میشدند. هیچگاه در طول تاریخ وجود و بقای ملت یهود تا این حد مورد تهدید

نابودی قرار نگرفته بود. در چنین حالتی بود که زنان یهودی در یک جنبش همدردی و واقع بینی بر خلاف تمام ممنوعیت های مذهبی و قوانین ارثی که نزدیک به ۲۰۰۰ سال رایج بود تصمیم گرفتند فرزندان به اصطلاح «حرامزاده» خود را ترک نکنند و آنان را مانند سایر فرزندان خود تربیت کرده از آنان نگهداری کنند. بنحو غیر قابل پیش بینی شده ای ربای ها نیز با آنها همصدا شدند چرا که در «میشناتورا» (المثنی یا دواریم) (آخرین کتاب حضرت موسی) که در سال ۶۳۵ پیش از میلاد نوشته شده بود، توجیهی مذهبی برای آن پیدا کرده بودند و به این ترتیب «وراثت یهودی بودن» از پدر به مادر منتقل شد و بدین گونه امید به پایداری یهودیت در دنیا دوباره زنده شد.

در بخش ششم آیه ۳ و ۴ میآید که بالاترین مقام ها و مشاغل درباری و حتی تخت پادشاهی برای آنکس که پدر و یا مادرش یهودی باشد جایز است. بدین ترتیب در این آیه ها که در پاسوخ ۱۵ نیز تأیید شده است تبعیض بین یهودیت از طرف مادر یا پدر وجود ندارد.

با جنبش و اعتراض زنان به این تبعیض ها و پشتیبانی روحانیون از آنان، «یهودیت از طریق مادر» بجای «یهودیت از راه پدر» یهودیت را از زوال نجات داد و در عین حال مادران، روح یهودیت را با آموختن تعلیمات مذهبی به همه فرزندان خود حفظ نمودند. البته این گردش ۱۸۰ درجه ناگهانی برای فرزندان که پدرشان یهودی و مادرشان غیر یهودی بود مسئله ای ایجاد کرد ولی باید دانست که در آن زمان این گونه فرزندان تعدادشان انگشت شمار و تقریباً نزدیک به هیچ بود.

و اما امروز تبعیضی که نسبت به فرزندان زائیده از مادر غیر یهودی و پدر یهودی خصوصاً در گالوت وجود دارد، بسیار دردناک و تحمل ناپذیر است. تصورش را بکنید فرزندی که تحت تعلیم و تربیت پدر با مراسم و وظایف یهودی بزرگ شده و ناگهان در ۱۳ سالگی به او میگویند که او یهودی نیست و او

را از جامعه بیرون میفرستند و رشته الفت و فامیلی آنها را با عموزاده ها و عمه زاده ها میبرند. این قطع کردن ۵۰ درصد از فرزندان زاده از خانواده های مخلوط آرام آرام و بی سر و صدا در خاموش شدن نسل یهود بی اثر نیستند. قانونی که زمانی برای حفظ بقاء یهودیت ایجاد شده بود امروز نقش وارونه ای را اجرا میکند.

۶۰ سال پس از فاجعه شوا رشد جمعیت یهودیان فقط دو درصد است در حالیکه این رقم در کشورهای «در حال پیشرفت» هفت درصد است. اکنون بر طبق آخرین آمار اسرائیل رشد جمعیت اعراب این کشور ۲,۶ درصد و رشد جمعیت یهودیان با وجود فرزندان زیاد مذهبیان ۱,۸ درصد است.

با در نظر گرفتن اینکه اکنون ۶۰ درصد ازدواج های یهودیان در آلمان، ۸۰ درصد در مجارستان و روسیه و اوکراین، ۵۴ درصد در آمریکا و ۴۵ درصد در فرانسه و انگلستان با غیر یهودی است، میتوان پیش بینی کرد که بزودی تعداد فرزندان که از این ازدواجها بوجود خواهند آمد بیش از ۵۰ درصد شود.

امروز جایز است که این فرزندان همگی یکسان یهودی شناخته شوند چرا که دیر یا زود آنها خود را در فرهنگ یهودیت آمیخته صد در صد یهودی خواهند شد. همانطور که ملاخی آخرین پیامبر یهودیان گفت: «او قلب پدران را بسوی فرزندان و قلب فرزندان را بسوی پدران خواهد برد.» دانشمندان یهودی و ربای ها با رجوع به دوترونوم نوشتند که تاج و تخت پادشاهی بر هر غریبه ای که پدر یا مادرش یهودی باشد رواست. بنابراین این قانون باید شامل هر یک از افراد جامعه ما باشد تا از زوال تدریجی آن جلوگیری نماید.

پیام: این صفحه برای اظهار نظر صاحب نظران و مطلعین باز خواهد بود.